

تراز تحولی آیت الله مؤسس،

از حفظ پیشینه، زمان آگاهی تا آینده‌نگری

مقدمه

در این نوشتار با جمع‌بندی مطالب و اختصارنگاری موضوعات، تلاش شده تراز تحولی و اثرگذاری بر اوضاع زمانه و به تبع آن حوزه‌های علمیه زمان حضور آیت‌الله مؤسس را در چهار محور مدت شاخص: الف) تنویه شخصیت و بازشناسی پیشینه؛ ب) عالمان شیعه، مدیریت مدبرانه در استقرار یک رویش؛ ج) آیت‌الله مؤسس و زمان آگاهی در پیشرانی حوزه؛ د) منش سیاسی و اوضاع زمانه و نتیجه را فرآید خوانندگان قرار دهیم. اما آنچه آرزو و آمال همه عالمان دینی برای اعتلا و اندیشه اصلاح حوزه‌های علمیه، از زمان غیبت صغرا تاکنون، در ساختار به‌روزرسانی آموزش، ارزیابی تحصیلی و پاسخ‌دهی به شبهات زمانه و تحقیق منجر به اجرا، در مسیر «تحولی حوزه‌ها و روحانیت» امری مسلم برمی‌شمرند، که با موضوعیت کلی آموزشی، حفظ جایگاه دینی-ترویجی، بین‌المللی، آینده‌نگری و ... یکی از دغدغه‌ها، درخواست‌ها و آرزوهای قلبی عالمان راستین و مرزداران اندیشه در همه زمان‌ها بوده است.



برتن کنند، تا نیازهای دینی - معنوی مردم و شبهات جدید را به بهترین وجه و آسان‌ترین مسیر پاسخ‌گو باشند.

درخشندگی علما و علوم‌آموزی آنان در جوامع بشری به این‌که با استفاده از منابع سترگ و پایان‌ناپذیر وحی (قرآن و سنت) به دانایی می‌رسند و با بهره‌گیری از روایت، درایت، تفسیر، تاریخ و بررسی مجموع دیدگاه‌ها و قوانین شریعت به تبیین احکام دست می‌یابند، که در نهایت به اجتهاد می‌پردازند، که نمونه بارز آن حفظ مکتب اجتهادی در عصر غیبت است، که در تاریخ تشیع همیشه متبلور بوده و اتصال بلافصل شیعیان به مبدأ وحی و زمان معصوم علیه السلام را می‌رساند، که امام عسکری علیه السلام از جدّ گرامش امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا مُرَابِطُونَ فِي الثَّغْرِ الَّذِي يَلِي إِبْلِيسَ وَ عَفَارِيَّتَهُ، يَمْنَعُونَهُمْ عَنِ الْخُرُوجِ عَلَى ضَعْفَاءِ شِيعَتِنَا، وَ عَنِ أَنْ يَتَسَلَّطَ عَلَيْهِمُ إِبْلِيسُ وَ شِيعَتُهُ!»

علمای شیعه ما، نگهبانان مرزی هستند که در سوی دیگر آن، ابلیس و دیوهای او قرار دارند و [این علما] جلوی یورش آن‌ها به شیعیان ناتوان ما و تسلط یافتن ابلیس و

الف) تنویه و وارستگی شخصیت و بازشناسی پیشینه

مسئولیت عالمان و جایگاه دینی، اجتماعی و سیاسی حوزه‌ها، در تاریخ تشیع به منزله غم به‌دوشان بیداری و حراست‌کنندگان حق و حقیقت بوده‌اند و چونان در میدان‌های پرتنش و اضطراب فتنه‌ها و آسیب‌های نابرابر حکومت‌ها و کج‌اندیشان، جانانه از مکتب به‌حق شیعه دفاع کردند، که همواره نام‌شان در قله دانایی تاریخ می‌درخشد.

زمانه در پیچاکی فراز و فرودها می‌گذرد، انسان‌های تأثیرگذار یکی بعد از دیگری می‌روند، ولی کار دین و باورهای دینی مردم به عنوان سنت الهی، تعطیل بردار نیست، که بنا به طبع تنوع‌طلبی با نگاه

به پیشرفت‌های روزافزون امکانات رفاهی، صنعتی و به‌زمانه بودن، با دگردیسی شئونات و پیشرفت‌های زیستی، مذاق‌گیرندگی دینی و مسائل روزمرگی (مستحدثه) جامعه نیز تغییر می‌یابد، که برای حفظ اصالت دینی - مذهبی و پاسخ به شبهات و نوپوری‌های جامعه، حوزویان و روحانیت هم‌گام با مردمان بایستی ردای تازگی و به‌روزبودن را

کار دین و باورهای دینی مردم به عنوان سنت الهی، تعطیل بردار نیست، که بنا به طبع تنوع‌طلبی با نگاه به پیشرفت‌های روزافزون امکانات رفاهی، صنعتی و به‌زمانه بودن، با دگردیسی شئونات و پیشرفت‌های زیستی، مذاق‌گیرندگی دینی و مسائل روزمرگی (مستحدثه) جامعه نیز تغییر می‌یابد، که برای حفظ اصالت دینی - مذهبی و پاسخ به شبهات و نوپوری‌های جامعه، حوزویان و روحانیت هم‌گام با مردمان بایستی ردای تازگی و به‌روزبودن را برتن کنند، تا نیازهای دینی و شبهات جدید را به بهترین وجه و آسان‌ترین مسیر پاسخ‌گو باشند.

پیروان او بر ایشان را می‌گیرند.»

قطع به یقین، بایستی اقرار کرد، که عالمان تأثیرگذار، ضمن برخورداری از وجهه مردمی همیشه زمان‌شناس نیز بودند و ابتلائیات اجتماعی را با درک درست و با توجه به چگونگی حوادث و ژرف‌نگری براینده‌پدیده‌ها را درمی‌یابند و هم‌سوی با ضرورت‌های زمان و بهره‌مندی از فرصت‌های به‌جا آمده، اهداف‌شان را به‌منصه ظهور می‌رسانند، که آیت‌الله عبدالکریم حائری، یکی از آن همه عالمان تأثیرگذار تشیع در

زمان خودش بوده، که در مقطعی از تاریخ حوزه علمیه (۱۳۰۱-۱۳۱۵ ش.) نظیر شمع‌ی پرفروغی بر افق عالم تشیع پرتو افکند و نامی «مؤسس حوزه علمیه قم» را بدان زرین بخشید و توانست تحولی در روش‌های مهم آموزشی، تخصصی ابواب‌فقه، توسعه دامنه معلومات طلاب، تشکیل آموزش زبان‌های خارجی، نحوه‌گزینشی طلاب جدیدالورد و... به اجمال این‌که تربیت محقق و مجتهد از برنامه‌های آیت‌الله مؤسس بود، که بعد از درگذشت آن بزرگوار، ادامه مسیر ایشان توسط آیت‌الله سیدحسین بروجردی و آثار وجودی شاگردانش را در حوزه علمیه قم شاهدیم. در توصیف چنین عالمانی نورافروز چقدر بجا امام باقر^ع می‌فرماید:

«العالم کمن معه شمعۃ تضيء للناس، فكل من أبصر بشمعه دعاله خیر»^۲

دانشمند مانند کسی است

که شمع‌ی به همراه دارد، که به مردم نور می‌دهد، پس هر که در پرتو شمع او ببیند، وی را دعای خیر گوید.»

با درک صحیح از فضای سیاسی زمانه آیت‌الله مؤسس و آثار مخربی و بسته به‌جا مانده از زمان مشروطه، سبب ارتقای علمی روحانیت شده بود، که با ورود آیت‌الله مؤسس به قم، آن فضای یخیده تا حدودی به گرمی گراید، تا نیل به اهداف‌شان، یعنی حفظ، ارتقا و تقویت حوزه‌های علمیه را عملی کند.

به قم، آن فضای یخیده تا حدودی به گرمی گراید، تا نیل به اهداف‌شان، یعنی حفظ، ارتقا و تقویت حوزه‌های علمیه را عملی کند. اما در مسیر صعب، چه مرارت‌ها و سختی‌ها که نکشیدند، که حاصل آن همه مشکلات، اکنون منفک نبودن روحانیت و حوزه‌ها از جامعه، رسالت حوزویان را در به‌روز بودن و آگاه به‌زمانه‌زیستن، میدان‌داری و... امری واقعی و غیر قابل انکار افکار بلند ایشان باید دانست.

از این‌رو، با نگاه به سیره عالمان تأثیرگذار در راستای تحولی و شأن حوزه و روحانیان، متولیان و مسئولان مربوط برای بازشناسی آثار وجودی آنان گامی مؤثر بایستی بردارند، تا در جریده تاریخ تشیع، وجود روشنای برکت‌افزای‌شان برای همیشه بدرخشد.

بادرک صحیح از فضای سیاسی زمانه آیت‌الله مؤسس و آثار مخربی و بسته به‌جا مانده از زمان مشروطه، سبب ارتقای علمی روحانیت شده بود، که با ورود آیت‌الله مؤسس به قم، آن فضای یخیده تا حدودی به گرمی گراید، تا نیل به اهداف‌شان، یعنی حفظ، ارتقا و تقویت حوزه‌های علمیه را عملی کند.

فریادی یا خبری نمی‌شدند، جملگی چشم، گوش و محو‌واله آن قله برافراشته و چشم‌نواز علم و دانایی می‌شدند، که هر کسی به کفایت گیرندگی خویش، از داشته‌های آن بزرگ‌مرد بهره می‌جست.

در آن مقطع، که عالمان و طلاب علوم دینی از رنجوری، سستی و بی‌سروسامانی مدرسه فیضیه به ستوه آمده بودند و از این‌که چنین مدرسه‌ای با سابقه درخشان، در آن زمان، تبدیل به شفاخانه و یا مسافرخانه و یا مخروبه می‌دیدند، برای‌شان بسیار دردآور و ناراحت‌کننده بود، که بعد از خبردار شدن از عزیمت زیارتی حضرت آیت‌الله حائری یزدی در تحویل سال (۱۳۰۰ش.) به سوی قم و حضور در حرم حضرت فاطمه معصومه (س)، شوق و شغفی وصف‌ناپذیر بین اهل علم و مردم عالم‌دوست قم، ایجاد شد، که زمینه درخواست‌ها، تشویق‌ها و ترغیب‌ها برای سکنا‌گزیدن حضرت آیت‌الله در قم و رونق بخشیدن به حوزه علمیه قم، تلاش‌ها را آغاز کردند، که در این میان، اثرگذاری آیت‌الله شیخ محمدتقی بافقی، که دوستی دیرینه با آیت‌الله مؤسس داشت، غیر قابل انکار است و در واقع پس از تأسیس حوزه علمیه قم، شیخ محمدتقی بافقی، برای تسهیل امور حوزوی نیز یکی از ارکان حاج شیخ به شمار می‌رفت، که در این راستا همتی مضاعف می‌گماشت.

ب) عالمان شیعه، مدیریت مدبرانه در استقرار یک رویش

پیشینه دینی و مذهبی مردم ایران به ویژه شهرهای مذهبی اقتضای کرد، تا پایگاهی توسط عالمان دینی برای تشکیلات دینی و نشر آموزه‌های مذهبی ایجاد کنند و این مسئله جسته‌گریخته و کم‌وبیش در بعضی از شهرها اتفاق می‌افتاد، ولی منسجم، مدون و فراگیر نبود، که با کوچک‌ترین تعرضی از سوی حاکمان وقت و بدخواهان اعتقادی از هم می‌پاشید. اگر چند شهر مقدس قم از دیر زمان مهد علم، علم‌آموزی و مرکز تحصیل مشتاقان علوم دینی بود و هیچ زمانی از حضور و وجود فقها خالی نبود، اما در مقطعی (بعد از درگذشت میرزای قمی در ۱۲۳۱ق.) و در راستای ناکامی مشروطه‌خواهان در دست‌یابی به حکومت، که بدان ضعف عالم‌مداری و علم‌آموزی می‌گویند، دچار فترت و سستی شد، که با ورود آیت‌الله مؤسس (۱۳۰۱ش.) به قم، حوزه علمیه قم، با نگاه به سبقه منفعل گذشته و تجربه حاصل از حضور ایشان در مدارس نجف و سامرا و ابتکارات نوآورانه‌ای که داشتند، توانستند به بازشناسی اساسی و نهادی این حوزه علمیه رونقی دوباره ببخشند. برجستگی علمی و شخصیتی این بزرگ‌مرد دانایی به اندازه‌ای بود که هر عالمی، صاحب فضلی و طلبه جوانی را که وارد حوزه علمیه می‌شدند، خود را در برابر قله با شکوه و چشمه‌هایی جوشان می‌دید، که از دامنه آن فوران می‌زد و چنان جذب شکوه و زیبایی شخصیت آن بزرگوار می‌گردیدند، که هیچ صدا و هیاهوی نمی‌شنیدند و مجذوب هیچ

و حفظ اصالت‌ها اشاره کنیم، که بعد از بعثت پیامبر بزرگوار ﷺ و تثبیت دین مبین اسلام، که ناسخ و اکمل همه ادیان الهی بود، برنامه‌های روح‌افزا و پرفروغ دین اسلام را برپایه دو اصل اساسی بنیان نهادند، که عبارتند: اصول دین؛ که تقلید در آن راه ندارد و بایستی با دلیل و برهان عقلی به آن‌ها اعتقاد داشت؛

و دیگر، فروغ دین؛ اعمالی که هر مسلمانی مکلف به انجام آن می‌باشد و به صرف اعتقاد داشتن، تکلیف از آدمی ساقط نمی‌شود. پایه و اساس همه این مسائل نیز برگرفته از دو منبع: کتاب (قرآن) و سنت می‌باشد، که منحصر در قول (گفتار)، فعل (کردار) و تقریر یا

تصویب^۳ معصومان^۴ است. با فراگیر شدن دین اسلام، نیازمندی‌های اعتقادی، معرفتی و معنوی مسلمانان بیشتر شد، پاسخ‌گویی به همه این مستحدثات از عهده خلفا، که آشنایی چندانی با قوانین و حدود الهی نداشتند، خارج بود. اما خوانش‌هایی در همان دوران از برخی افراد متبصر و نزدیک به امامان معصوم^۵ بود، که نشان از به ثمرنشتن تأیید اسلوب گفتاری و رفتاری آن حضرات معصوم^۶ بود، که بعدها با تشکیل کرسی‌های درس و شاگردپروری

عالمان دینی همیشه یکی از مهم‌ترین تأثیرگذاران اعتقادی، اجتماعی، فرهنگی عهده‌دار هدایت عامه در عصر غیبت بودند و پرچم به دوش کشیده گذشتگان تشیع را دائم بالا نگه‌داشته و لحظه‌ای برای حفظ و نشر عقاید حقه تعلل نکردند و سهم رهبری و راهبری خویش را سرافرازانه تا

به امروز مشروعیت عینی بخشیدند. برای شناساندن رسالت «حوزه‌های علمیه و روحانیت»، این مهد دانش و دانش‌پژوهان معنوی و معارف قرآنی، که در راستای رسالت ذاتی درون‌مایگی خویش، فرزنانگان تأثیرگذار زیادی در دامن خویش پرورانده و در جایگاه رفیع رهبری دینی و راهبری

اجتماعی در درازنای عمر با برکتش معرفی کرده است، که یکی از آن همه زعیمی والامقام، آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری می‌باشد، که با تجربه مضاعف از چگونگی اداره حوزه سامرا، به دست توانای میرزای شیرازی بزرگ و اندوخته‌های ذاتی خویش، برای اداره حوزه علیمه قم، نگاه راهبردی و تغییرات احیایی داشت، که این سنت حسنه به عنایت نیت خالصانه ایشان، تاکنون پابرجا و با شکفندگی ادامه دارد. برای دست‌یابی به عظمت حوزه‌ها

● عالمان دینی همیشه یکی از مهم‌ترین تأثیرگذاران اعتقادی، اجتماعی، فرهنگی عهده‌دار هدایت عامه در عصر غیبت بودند و پرچم به دوش کشیده گذشتگان تشیع را دائم بالا نگه‌داشته و لحظه‌ای برای حفظ و نشر عقاید حقه تعلل نکردند و سهم رهبری و راهبری خویش را سرافرازانه تا به امروز مشروعیت عینی بخشیدند.



روزآمد نباشد به بن‌بست‌هایی برمی‌خورد که بسیار مهلک و نابودکننده است.

برجستگی دو بال ترقی و تکاملی حوزه و روحانیت، یعنی علم و عمل از دیر زمان و با الهام و تفسیر آیه: «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ»^۴ دو مفهوم کلیدی (اجتهاد و تقلید) در میان متفکران و عالمان دینی شیعیان براساس اصل عقلایی رخ‌نما بود، که همیشه مردم را در حدود و قوانین الهی و شئونات اجتماعی و فردی زندگی روزمره به دانیان دین‌شان را هدایت‌گر می‌شدند و طرف‌داران و مخالفان این دو مفهوم (اجتهاد و تقلید) نیز در راستای

تفہیم اصل رجوع به دانیان و عالمان، جز این تفاهم و تک‌آرایی چاره‌ای ندارند، که بپذیرند؛ دست‌رسی همه احاد مردم به احکام، منابع، مدارک و چگونگی استنباط و استفاده احکام امکان‌پذیر نیست. از این‌رو، شایسته است طبق حکم عقلی به یک خیره، عالم، استاد و... رجوع شود، که بتواند امت را طی طریق کند، تا نظام

اعتقادی و کنش‌های اجتماعی براساس حدود الهی پا برجا باشد و در هیچ برهه‌ای از زمان تعطیل نگردد.

پرورش چنین افرادی برای پاسخ‌گوبودن به نیازهای اعتقادی و معنوی هر عصر و

رونق بیشتری یافت، تا از این طریق بتوانند پاسخ‌گوی نیازهای اعتقادی و معنوی مردم باشند.

والایی یک بینش پویا و پیشینه یک واقعیت زمانی به مراحل از نظام‌های اجتماعی می‌رسد، که برای پاسخ به نیازهای فردی و اجتماعی روز جامعه خویش، راه‌کارهایی بیابد و از چالش‌های ناخواسته و گسست‌های به وجود آمده، نخست، پاسخ‌گو باشد و دیگر، به خوبی هدایت‌گری کند و مردم خویش را با نگاه به سبقه اعتقادی مصون نگه‌دارد و تفسیر به لامحال نکند.

والایی یک بینش پویا و پیشینه یک واقعیت زمانی به مراحل از نظام‌های اجتماعی می‌رسد، که برای پاسخ به نیازهای فردی و اجتماعی روز جامعه خویش، راه‌کارهایی بیابد و از چالش‌های ناخواسته و گسست‌های به وجود آمده، نخست، پاسخ‌گو باشد و دیگر، به خوبی هدایت‌گری کند و مردم خویش را با نگاه به سبقه اعتقادی مصون نگه‌دارد و تفسیر به لامحال نکند.

با چنین نگاه، روزآمدی و عقب‌نماندن از مسائل زمانه، بایستی تبیین درستی از حوزه علمیه قم و روحانیت، در حفظ پویایی اسلامی - شیعی داشت، به گونه‌ای که امروزه رفتار و آرای فقهی و سیاسی مراجع بزرگوار و فضلالی اندیشور و هم‌چنین نحوه مواجهه علمی و عملی در امر سیاست و حکومت آنان، مورد پژوهش و مذاقه

علاقه‌مندان این‌گونه مباحث داخلی و خارجی است. در چنین شرایطی اگر روحانیت امروز، در این ورطه نابرابری (نیازها و پاسخ) چنان‌چه با مواجهه به علوم روز، احکام و مستحدثات، شبهات نوظهور و...

زمانی یک نوع رویکرد اَهَمْ فالأَهَمْ بوده، به گونه‌ای که بایستی طبق اقتضائات و شرایط یک جامعه در دستور کار متولیان و مسئولان مربوط باشد. در این باره برخی از اهل نظر معتقدند، که بابِ اجتهاد که برگرفته از تفکرات تشیع است، برای همیشه مفتوح بوده و با فاصله افتادن زمان معصومان علیهم‌السلام و ابتلائات ناخواسته اجتماعی خللی در نوع اجرای حدود و قوانین الهی نمی‌باشد، چراکه حقیقت اجتهاد و استنباط حکم که نوعی برگرداندن و یا وصل فروع به اصول دین و نیز صحت و سقم دادن حدیث و تشخیص ناسخ از منسوخ و تقدم خاص بر عام و جمع بین اخبار هنگام تعارض بین آن‌ها، یا ترجیح دادن آن‌ها به وسیله مرجحات و... می‌باشد.

بابِ اجتهاد که برگرفته از تفکرات تشیع است، برای همیشه مفتوح بوده و با فاصله افتادن زمان معصومان علیهم‌السلام و ابتلائات ناخواسته اجتماعی خللی در نوع اجرای حدود و قوانین الهی نمی‌باشد، چراکه حقیقت اجتهاد و استنباط حکم که نوعی برگرداندن و یا وصل فروع به اصول دین و نیز صحت و سقم دادن حدیث و تشخیص ناسخ از منسوخ و تقدم خاص بر عام و جمع بین اخبار هنگام تعارض بین آن‌ها، یا ترجیح دادن آن‌ها به وسیله مرجحات و... می‌باشد.

مرحوم مؤسس، چند اصول را مشی خویش قرار داد بود، که حفظ عقاید مذهبی در جامعه اسلامی، تلاش برای بقای مسیر فقاہت و علم‌آموزی در شرایط سخت و ... را از اعم اهدافش می‌شمارد و بدان‌ها اهتمام ویژه داشت، که بعد از ورود و استقرار آیت‌الله سیدحسین بروجردی به قم (۱۳۲۳ش.) تدریس پرمایه‌ای را آغازید و در امر شاگردپروری نیز بسیار موفق بودند، به طوری که در پایان عمر شریف‌شان بر شمار استادان خارجه فقه و اصول حوزه علمیه قم افزوده شد.

فروع به اصول دین و نیز صحت و سقم دادن حدیث و تشخیص ناسخ از منسوخ و تقدم خاص بر عام و جمع بین اخبار هنگام تعارض بین آن‌ها، یا ترجیح دادن آن‌ها به وسیله مرجحات و... می‌باشد، در هر عصری و زمانه‌ای لازم و ملزوم یکدیگرند، که قدمایی از مجتهدان (آنانی که در عصر ائمه علیهم‌السلام بودند و آن حضرات معصومان علیهم‌السلام را درک کردند) و متأخران (که بعد از غیبت صغرای امام عصر علیه‌السلام تاکنون) هستند، که علم به دوشان این عرصه مشترک بدون تمایز رأی بودند، تا با جدیت فراتوان این میراث گران بها را به آیندگان سپارند.

برای حفظ چنین پیشینه‌ای مقوم،

انعقاد تفکر انقلابی شاگردان آیت‌الله بروجردی و حاصل نگاه ایشان به فقه سیاسی، رشد و گسترش اندیشه‌های انقلاب اسلامی، در همان زمان بسته شد و استمرار همان آرمان‌ها در انقلاب اسلامی ظهور پیدا کرد، که در جهان جایگاه حوزه علمیه قم را ارتقا داد، به گونه‌ای که در حال حاضر، بسیاری از کشورهای دیگر برای تحصیل علوم دینی به قم می‌آیند. در طول این سال‌ها متمادی حوزه قم همواره در بطن حوادث و رویدادهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بوده است.

بعد گذشت صدسال از تأسیس حوزه علمیه قم و نقش‌آفرینی آن در عرصه‌های گوناگون سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و بین‌المللی به

مخلص در دارالعلوم اسلامی، مدارس علمی، حوزه‌های علمیه و... با تلاش زیاد و بی وقفه بدان مباردت می‌ورزیدند، تا به دست آیندگان برسانند و این مسیر پر تلاؤ هم‌چنان بی‌وقفه ادامه دارد...

و با الهام از سخن امام صادق (علیه السلام) که می‌فرماید:

«رَحِمَ اللهُ قَوْمًا كَانُوا سِرَاجًا وَ مَنَارًا، كَانُوا دُعَاءَ الْإِنْبَاءِ بِأَعْمَالِهِمْ وَ مَجْهُودِ طَاقَتِهِمْ...»^۵

خداوند مردمی را رحمت کند که نظیر چراغ فروزان و مشعل سوزان، راه دیگران را روشن ساختند، و با کردار خویش، مردم را به راه ما فراخواندند، و با تمام توان و قدرت عملی

خود حق را می‌شناسانند...»

آن‌گونه در تاریخ به فراوانی مشهود است، نخستین حوزه‌ای که در اسلام شکل گرفت و استاد و شاگرد در آنان به معنای واقعی رخ نمود، حوزه دو شهر بزرگ و مهم جهان اسلام مکه و مدینه بود. حوزه مدینه پس از پیامبر بزرگوار اسلام (ص)، مرکزیت خود را حفظ کرد و تا عصر امام باقر و امام صادق (علیه السلام)، به اوج رونق خود رسید؛ به گونه‌ای که چند هزار شاگرد تربیت کردند و برای اشاعه معارف اسلامی و فرهنگ ناب محمدی (ص)، با بهره‌مندی از: «الْفُقَهَاءُ أُمَّنَاءُ الرَّسُولِ»^۶ به دورترین نقاط جهان می‌فرستادند.

بعد از دو حوزه یادشده، حوزه‌های کوفه و قم نیز

نظر می‌رسد، اکنون حوزه علمیه برای انجام وظیفه خویش که احیای دین، آموزه‌های اسلامی و نیز حمایت معنوی و علمی از نظام

جمهوری اسلامی کاری بس دشور در پیش دارد و به ویژه که الآن برخی از درون‌حوزویان و جست‌گریخته قلم‌بدستان برون‌حوزوی شعار جدایی دین از سیاست را سر می‌دهند، لحظه‌ای نبایست در این باره غفلت جست.

پس از گذار زمان (غیبت صغرا) تاکنون، شخصیت‌های علمی بزرگی از شیعیان برخاستند و زعامت و سرپرستی عالم تشیع را با شایستگی به

عهده گرفتند و کتاب‌ها و آثاری گران‌سنگ از خود باقی گذاشتند، که چراغ راه شیعیان تا امروز بوده است. از قرن چهارم هجری (۳۰۰-۴۰۰) ثقة‌الاسلام محمدبن یعقوب کلینی (متوفای ۳۲۹)، که تاکنون قرن چهاردهم هجری هستیم، سکان‌داری هدایت جامعه اسلامی - شیعی به دست فقهای بزرگوار و علمای اعلام بوده است، این چشمه همیشه جوشان عالم تشیع در هیچ زمانی به فترت نرسیده، بلکه روزه‌روز پررونق‌تر جوامع شیعی را از داشته‌های شان سیراب می‌کنند، که نشئات این همه برکات برگرفته از معارف و علوم دینی پیشینیان است، که دانشمندان اسلامی و عالما دینی بی‌ادعا و

انعقاد تفکر انقلابی شاگردان آیت‌الله بروجردی و حاصل نگاه ایشان به فقه سیاسی، رشد و گسترش اندیشه‌های انقلاب اسلامی، در همان زمان بسته شد و استمرار همان آرمان‌ها در انقلاب اسلامی ظهور پیدا کرد، که در جهان جایگاه حوزه علمیه قم را ارتقا داد، به‌گونه‌ای که در حال حاضر، بسیاری از کشورهای دیگر برای تحصیل علوم دینی به قم می‌آیند.

● زمان آگاهی آیت الله مؤسس، در نوع تحولات اجرایی - مدیریتی، تدریس زبان خارجی برای طلاب جوان و تخصصی نمودن بعضی از دروس حوزوی که با در نظر گرفتن، جوامع اسلامی و دین محوری جامعه اسلامی همراه بود، که تلاش مضاعف، با ترویج درست و انتقال صحیح معارف و آموزه‌های دینی به اقصا نقاط اسلامی، حوزه‌های علمیه را به نهادی مذهبی - آموزشی فعال در قم تبدیل کردند، تا با جذب افرادی برای آموختن، تربیت و ترویج آموخته‌های خویش، با علوم روز آشنا شده، تا پاسخ‌گوی مسائل دینی و نقد نقادان و هم‌چنین شبهات شکاکان برآیند.

● براساس آنچه در دست است، از رونق خوبی برخوردار بودند، تا این که با مهاجرت اشعریان شیعی در قرن دوم به شهر قم، قم نیز به یکی از شهرهای مسلمان‌نشین شیعه مذهب پا گرفت و جلسات درس و بحث با حضور برخی از محدثان علاقه‌مند به معصومان علیهم‌السلام ایجاد شد.

حوزه‌های دیگری نظیر حوزه بغداد، که حضور برخی از امامان شیعه و فعالیت نواب امام دوازدهم علیهم‌السلام، در بغداد عامل اصلی تشکیل کانون‌های مباحث علمی شد. یا حوزه نجف اشرف، که برخی معتقدند که پیش از آمدن

شیخ طوسی، در نجف حلقه‌های درس و بحث در جوار مرقد امیرمؤمنان علی علیه‌السلام، برگزار بود و حوزه نجف بدین ترتیب شکل گرفت. درباره حوزه‌هایی مانند حله، اصفهان، خراسان و... که عمده آن‌ها با سفرهای اجباری و یا اختیاری و گاهی با تبعید و فشارهای حاکمان، با برپایی حلقات درسی عالمان دینی تأسیس شده‌اند، که نشان از یک تحول اساسی در نظام تعلیمی مذهب شیعه شد.

با چنین پیشینه‌ای، حضرت آیت الله حائری با چند شاخصه در تداوم و حفظ آثار شیعی، اقدام‌هایی اساسی را در پویایی حوزه علمیه رقم زدند، که چند نمونه را به اجمال برمی‌شماریم:

(الف) نظم‌دادن به وضعیت طلاب علوم دینی؛

(ب) مدیریت (تثبیت مدیریت متمرکز) قایم به شخص بودن؛

(ج) گزینش دقیق طلاب علوم دینی؛

(د) تخصصی شدن ابواب فقه برای پاسخ‌گویی به مستحدثات؛

(هـ) آموزش زبان خارجی، اقل کم دو زبان برای برون تبلیغی طلاب.

و موارد دیگری از تغییرات و قوانین درون‌نهادی، که مجال دیگری می‌طلبند.

(ج) آیت الله مؤسس و زمان آگاهی در پیشرانی حوزه‌ها

زمان آگاهی آیت الله مؤسس، در نوع تحولات اجرایی - مدیریتی، تدریس زبان خارجی برای طلاب جوان و تخصصی نمودن

●
 طلاب نیز در حوزه‌های علمیه، ضمن فراگیری علوم متداول حوزوی به تهذیب که از مؤلفه‌های برجسته شخصیتی و ساختاری‌شان است، اهمیت ویژه داده‌اند، به گونه‌ای که اساتید در کنار مباحث آموزشی، برای پرورش اخلاقی شاگردان تلاش می‌کنند و شاگردان نیز با تأثیرپذیری از رفتارها و گفتارهای اساتید خویش به خودسازی علاقه‌مند می‌شوند و ردای تهذیب را به دوش می‌گیرند.

●
 اکرم[ؑ] ما رسیده است و از پیامبر اکرم[ؐ] به ائمه طاهرین[ؑ] و از آنان به علمای عاملین.^۸

حوزه علمیه در همه دوران و به ویژه از زمان آیت‌الله مؤسس دارای نظم و برنامه منظم‌تری در پرداخت‌ها به طلاب پیدا کرد و بر خلاف تشکیلات و سازمان‌های روحانیت مسیحی، یهودی و ... بدون کمک دولتی یا تأمین کمک اجباری افراد، فقط با وجوهات شرعی - که طبق دستور شرع، مردم متدین به مراجع دینی می‌پردازند - اداره می‌شود و طلاب نیز در حوزه‌های علمیه، ضمن فراگیری علوم متداول حوزوی به تهذیب که از مؤلفه‌های برجسته شخصیتی و ساختاری‌شان است، اهمیت ویژه داده‌اند، به گونه‌ای که اساتید در کنار مباحث آموزشی، برای پرورش اخلاقی شاگردان تلاش می‌کنند و شاگردان

بعضی از دروس حوزوی که با در نظر گرفتن، جوامع اسلامی و دین‌محوری جامعه اسلامی همراه بود، که تلاش مضاعف، با ترویج درست و انتقال صحیح معارف و آموزه‌های دینی به اقصا نقاط اسلامی، حوزه‌های علمیه را به نهادی مذهبی - آموزشی فعال در قم تبدیل کردند، تا با جذب افرادی برای آموختن، تربیت و ترویج آموخته‌های خویش، با علوم روز آشنا شده، تا پاسخ‌گوی مسائل دینی و نقد نقادان و هم‌چنین شبهات شکاکان برآیند.

این نوع مراکز از دوره بعد از امامان شیعه و در درازنای زمان به مقتضیات و شرایط زمانه گسترش یافت، که می‌توان حوزه‌های قم، بغداد، نجف اشرف، سامرا، حله، اصفهان، خراسان و ... را از مهم‌ترین آن‌ها نام برد. علم‌آموزی متداول در این‌گونه مراکز دینی در راستای فهم و استنباط آموزه‌های دینی از قرآن، حدیث و سنت نهادینه شده، که بایستی از دروس ادبیات عرب، فقه و اصول که از اصلی‌ترین دروس تعلیمی یک شخص حوزوی است، الزاماً بایستی بیاموزد و طبق بشارت: «إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ»^۷ عالمان وارثان پیامبرانند. بتوانند پیامبرگونه در میان مردم به هدایت‌گری بپردازند و در این‌باره، می‌نویسند: «شخصی که وارد حوزه روحانیت اسلام به خصوص روحانیت شیعه می‌شود، وارد جریان انبیا می‌شود و خود وارث جریان انبیایی تاریخ است و جریانی که از پیامبران به پیامبر

نیز با تأثیرپذیری از رفتارها و گفتارهای اساتید خویش به خودسازی علاقه‌مند می‌شوند و رداي تهذیب را به دوش می‌گیرند. این نوع برنامه‌ها گاهی از اوقات تبدیل به یک درس رسمی و کلاسیک اخلاقی تبدیل می‌شود که بعضی از مدارس با یک برنامه مدوّن به آن می‌پردازند و زی طلبگی را در دوران ابتدایی تحصیل آن‌چنان برای طلاب ملکه می‌کنند، که بخشی جدا

نشده از هویت طلبگی و روحانیت را بدان می‌سنجند، که برخی از اساتید در این باره نظریات کاربردی دارند و شخصیت‌سازی طلاب علوم دینی را پایه علم‌آموزی در حوزه‌های علمیه می‌دانند و می‌نویسند: «...نگوید ما علی علیه السلام نمی‌شویم. کسی نمی‌خواهد شما علی علیه السلام شوید، اما اثری و شباهتی از او باید داشته باشید، چون دنباله صنفی او هستید و ادامه جریانی که او نیز در آن جریان قرار داشته است. اگر هیچ اثری و شباهتی و کاری به علی علیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام نداشته باشید و نخواهید این شباهت را در خود ایجاد کنید، راه باز است، آدمی می‌رود و کاسب می‌شود و داعی ندارد که طلبه شود... و شمای طلبه هم باید به اصل خودسازی روحی معتقد باشی و به هر اندازه که

ممکن است باطن خود را بسازی تا همین‌گونه که صورت نام شهرت، عالمی و آیه‌اللہی، به عمل و باطن نیز عالم و نشانه خدا و یادآور خدا باشی.»^۹

با چنین رویکرد تأکیدی در زمان آیت‌الله مؤسس، حوزه علمیه قم، خیلی سریع جایگاه علمی خود را پیدا کرد و کانون توجه علمای بزرگ، اهل علم و مردان بلنداندیش داخل

و خارج کشور قرار گرفت، که افزون بر هجرت بسیاری از عالمان دینی از سراسر کشور به قم، بر رونق‌افزایی آن افزودند و با تلاش حاج شیخ و همراهان دل‌سوز، مرکزیت علمی خودش را بازپس گرفت. بنابراین، حفظ پیشینه حوزه، بعد از رحلت آیت‌الله مؤسس، توسط شاگردان آن مرحوم ادامه یافت، که عنوان مراجع ثلاث برای بار دوم، بعد از درگذشت مؤسس حوزه علمیه قم (۹ بهمن ۱۳۱۵ ش.) شهرت یافت. در این دوره عنوان مراجع ثلاث برای سه تن از مراجع وقت شیعه در قم به کار گرفته شد، که بیشتر در امور مرجعیت سنتی، شرعی و حفظ حوزه علمیه قم همکاری می‌کردند، که عبارت بودند از: سیدمحمدتقی خوانساری، سید صدرالدین صدر و سیدمحمد حجت کوه‌کمره‌ای، طی

● امام خمینی علیه السلام با عنایت و شناخت ویژگی‌های سیاسی و میدان‌داری آیت‌الله مؤسس داشتند، یک جمله‌ای بسیار نادر و زیبا در این باره دارد، که «اگر مرحوم حاج شیخ (عبدالکریم) در حال حاضر زنده بودند، کاری را انجام می‌دادند که من انجام داده‌ام و تأسیس حوزه علمیه کمتر از تأسیس جمهوری اسلامی در ایران نبود.»

از زمان صفویه و با مهاجرت گروه زیادی از علمای بزرگ شیعه به ایران آغاز و در برهه‌هایی نظیر انقلاب مشروطه، تأسیس حوزه علمیه قم و نهضت ملی‌شدن نفت... آن تأثیرگذاری را می‌توان دید.

در شرایطی که حدود پنجاه سال از تأسیس حوزه علمیه قم، به اتمام مرحوم آیه‌الله حائری یزدی می‌گذشت، انقلاب اسلامی ایران اتفاق افتاد، به گونه‌ای که نقش حوزه‌های علمیه و تربیت‌شدگان آیه‌الله حائری، با مباحث نظری که داشتند گام‌به‌گام به نوع حکومت‌داری می‌انديش‌دند و در چگونگی حفظ و توسعه میراث بزرگ علمای گذشته و ایجاد وحدت و مرکزیت نیرومند در برابر رژیم ستم‌شاهی از برجستگی‌های تعلیمی و تعلیمی حوزه علمیه به شمار می‌آید، که از دوره کوتاه بازسازی توانستند با گرایش‌ها و سلايق گوناگون دژي محکم در برابر توطئه‌های حکومت شاهی باشند و همه نقشه‌های تفرقه‌افکنی آنان را با روشن‌گری بر آب کنند و مردم را در یک صف واحد ضد ظلم و ناعدالتی رژیم با خود همراه سازند....

با این‌که آیه‌الله حائری طبق شواهد و برای حفظ مصالح اسلام، شیعه و حوزه جدیدالتأسیس، خیلی در سیاست دخالت نکرد و با کج‌خلقی‌های رضاخان تا حدودی کنار آمد و در آخر به سبب همین ناملايمات و فشارهای دولت وقت

هشت سال یعنی از (۱۳۱۵ش. - ۱۳۲۳ش.) افزون بر همکاری مشترک در سرپرستی حوزه علمیه قم، هر یک، مقام فتوا نیز داشتند. سرپرستی حوزه علمیه با ورود آیت‌الله بروجردی به قم به وی منتقل شد، که نوشتار دیگری می‌طلبد.^{۱۰}

د) منش سیاسی و اوضاع زمانه

امام خمینی علیه السلام با عنایت و شناخت ویژگی‌های سیاسی و میدان‌داری آیت‌الله مؤسس داشتند، یک جمله‌ای بسیار نادر و زیبا در این باره دارد، که «اگر مرحوم حاج شیخ (عبدالکریم) در حال حاضر زنده بودند، کاری را انجام می‌دادند که من انجام داده‌ام و تأسیس حوزه علمیه کمتر از تأسیس جمهوری اسلامی در ایران نبود.»^{۱۱}

بازشناسی از نقش حوزه‌ها و روحانیت، در حفظ و اقتدار اسلام و تشیع و هم‌چنین در ریشه‌های ضد دیکتاتوری و انقلاب‌های بی‌فروغ و شکست‌خورده گذشتگان چنین می‌فهماند، که رشد اندیشه سیاسی و درک مقتضیات زمانی حوزه‌های علمیه، در تحقق و اهداف انقلاب‌ها، اگر چه هم‌تراز با علوم حوزوی بوده، به جرئت گفتنی است که کمتر از آن نبوده است، چراکه حوزه‌های علمیه و روحانیت، همواره تأثیرهای مهمی در سرنوشت سیاسی - اجتماعی مردم ایران داشته‌اند. این اثرگذاری از چند سده گذشته به‌ویژه

به ایشان و طلاب برای بعضی از جریانات ناخواسته، رحلت نمودند...

اما اثرگذاری ایشان و نوع نگاه به

آینده حوزه و روحانیت

و واقعیت‌سنجی به

ظرفیت‌های بالای آشکار و

پنهان موجود در حوزه‌ها و

روحانیت، چیزی است که

همگان به این موضوع مقفند

و موجودیت بالقوه نیروهای

خلاق و فعال، رسالت

بهره‌مندی این توانایی را

برای گروه‌های گوناگون

حفظ آثار گذشتگان و چراغ

پرفروغ آینده دو چندان می‌کند، با تأکید

به این که «حوزه‌های علمیه و روحانیت»

بایستی پیشگامان این عرصه باشند، تا

چراغ راهی برای آیندگان بیفروزند. با

دورگردانی خواسته یا ناخواسته از نگرانی

برخی که به گوشه انزوا خزیدند و یا

کسانی که دستی در قلم و بیان دارند و

با نکته نظریاتی جامعه را چالش‌سازی

می‌کنند و طبق روشن‌فکری به دست

گرفته‌اند و با عجز و انابه ناکارآمدی

حکومت دینی و جدایی «دین از سیاست»

را زرمه و سرمی دهند و با شبهاتی هدایت

شده فاصله بین روحانیت با سیاست و

مردم ایجاد کنند بایستی پاسخ درخور داد،

که کم‌وبیش در هر زمانی چنین جریاناتی

است و امام خمینی رحمته‌الله در این باره و حفظ

ترویج اسلام ناب و به نوعی رسالت روحانیت متعهد را با هشدار یادآور

می‌شود: «... از جنجال چند نفر غرب‌زده

و سرسپرده نوکرهای استعمار

هراس به خود را ندهید.

اسلام را به مردم معرفی

کنید تا نسل جوان تصور

نکند که آخوندها در گوشه

نجف یا قم دارند احکام

حیض و نفاس می‌خوانند

و کار به سیاست ندارند، و باید

دیانت از سیاست جدا باشد.

این که دیانت باید از سیاست

جدا باشد و علمای اسلام در

امور اجتماعی و سیاسی دخالت نکنند،

استعمارگران گفته و شایع کرده‌اند. این را

بی‌دین‌ها می‌گویند، مگر زمان پیغمبر

اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، سیاست از دیانت جدا بود؟ مگر در

آن دوره، عده‌ای روحانی بودند و عده دیگر

سیاست‌مدار و زمامدار؟»^{۱۲}

نتیجه

همه اندیشوران، سیاسیان،

جامعه‌شناسان و... به این باورند که

نظام اسلامی ایران مولود پاک «حوزه‌ها

و روحانیت» صدسال اخیر است. در

این باره، با یادآوری مطالب یادشده اگر

مواضع راهبردی حوزه‌های علمیه در

قبال حکومت، عدالت اجتماعی، حقوق

شهروندی و... روشن نشود و میراث فکری،

از نگاه مرحوم آیت‌الله مؤسس و امام خمینی رحمته‌الله، حوزویان بایستی با حفظ اصالت و نقش ذاتی خویش حلال مشکلات جامعه باشند و در همه عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، تقریبی، اقتصادی، بین‌المللی و... نظریه‌پرداز و میدان‌دار هدایت‌گر باشند و معضلات جامعه اسلامی را با تدابیر ارائه طریق کنند.

در این برهه حساس، که با زندگانی و اندیشه‌های سیاسی عالمان تأثیرگذار، ژرف‌اندیش و آینده‌نگر فاصله چندانی نداریم، اما هم اعتقاد با پیشینه تکلیفی و تقریری آنان در شاخصه «حوزه و روحانیت» را می‌توان میدان‌دار نمود؛ گرچه شاید، برخی از روحانیان منزوی و بی‌تعهد و کوتاه‌اندیشان بی‌تحرك، که گرفتار انجماد فکری هستند، بر آن باشند که حوزه را از سیاست و حکومت دور نگه دارند و به پندار خویش، رابطه‌ای میان این دو نباشد و سرنوشت و عمل کرد آینده این دو را از یک‌دیگر جدا بپندارند، ولی نه چنین بوده و نه چنین خواهد بود.

از نگاه مرحوم آیت‌الله مؤسس و امام خمینی رحمته‌الله، حوزویان بایستی با حفظ اصالت و نقش ذاتی خویش حلال مشکلات جامعه باشند و در همه عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، تقریبی، اقتصادی، بین‌المللی و... نظریه‌پرداز و میدان‌دار هدایت‌گر باشند و معضلات جامعه اسلامی را با تدابیر ارائه طریق کنند. جالب که شهیدمطهری با یک نظریه جامع‌شناسی به تلاش‌های حوزویان و روحانیت، پیشینه فعالیت‌های آنان را در مبارزه با حکومت طاغوت و عدم دسترسی به حکومت پایدار و توانایی اقدام و حفظ آن به نقد می‌کشد و به روحانیت انقلابی می‌تازد که: «انقلاب ایران با پایمردی روحانیت شیعه به ثمر

فرهنگی و معرفتی حوزه‌ها و روحانیت اصیل به عنوان پشتوانه مذهب تشیع، حل‌وفصل نشود و در سر لوحه امور حوزویان قرار نگیرد، هم مردم و متعاقب آن حوزه‌ها خسران بزرگی خواهند دید، که قطع‌به‌یقین قابل جبران نمی‌باشد. اگر دیگرار پیونده میان حوزه و حکومت عمیق نگردد، زمزمه‌های ناصواب برخی که معتقدند حوزه چه به حکومت‌داری، که امروز به گوش می‌رسد، زمینه را برای پاگرفتن نوای شوم جدایی «دین از سیاست»، در پی خواهد داشت. همان افکار غلطی که سالیان سال در حوزه‌های علمیه و روحانیت را به انزوا رنجور کشاند و مصلحان اسلامی را به مسلخ متحجران و تنگ‌نظران گرفتار کردند.

حوزه‌های علمیه و روحانیت در مکتب آیت‌الله مؤسس یک جریان‌ساز و مغز متفکر و آینده‌نظامات اسلامی بودند، که با حفظ اصالت‌ها بایستی در حفظ رسالت‌های خویش پای فشاریم و نیازهای اعتقادی، فرهنگی و معرفتی حکومت‌ها را تأمین کنیم و چالش‌ها و موانع را بنمایانیم، تا شاید وضعیت فترت و بی‌تحركی کلان حوزه‌ها نباشیم و طبق رهنمون بزرگان تشیع گامی مؤثر در حکومت‌سازی برداریم. حکومتی که همخوانی با آموزه‌های حقیقی اسلام، معیارهای اصیل شیعه و ریشه در مدینه فاصله داشته باشد.

- شد، که نیار به یک نوشتار مجزا دارد.
۴. نحل، آیه ۴۳.
 ۵. ابومحمد حسن حرانی، تحف العقول، ص ۲۲۱ و الحیاء، ج ۱، ص ۲۹۸.
 ۶. برادران حکیمی، الحیاء، ج ۲، ص ۲۳۵.
 ۷. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۲ و الحیاء، ج ۲، ص ۲۳۴.
 ۸. محمدرضا حکیمی، هویت صنفی روحانیت، ص ۴۰.
 ۹. همان، ص ۴۱-۴۲.
 ۱۰. امام خمینی و مراجع ثلاث، سایت جماران.
 ۱۱. مجله حوزه، شماره ۶، طرح پشت جلد، به نقل از: پیام انقلاب، شماره ۱۸.
 ۱۲. سیدروح الله خمینی، حکومت اسلامی، ص ۱۹.

۱۳. مجله حوزه، شماره ۴۲، شماره ۶۳-۶۴، به نقل از: همو، نهضت‌های اسلامی در صدساله اخیر، ص ۹۵.

رسید، اما روحانیت، از ثمره آن بهره‌برداری نکرد و نتیجه‌اش را امروز می‌بینیم. مشروطیت ایران را روحانیت به ثمر رسانید، اما آن را ادامه نداد و بهره‌وری نکرد و لهذا طولی نکشید که یک دیکتاتوری خشن روی کار آمد و از مشروطیت جز نامی باقی نماند، بلکه تدریجاً در مردم سوءظن به وجود آمد که اساساً رژیم استبداد از مشروطه بهتر است... اکنون این نگرش در مردم هوشمند به وجود آمده که آیا باز هم روحانیت کار خود را نیمه‌تمام خواهد گذاشت؟^{۱۳}

پی‌نوشت:

* پژوهشگر و نویسنده.

۱. محمدرضا حکیمی و برادران، الحیاء، ج ۲، ص ۴۹۷ و ۴۹۸.
۲. همان، ج ۱، ۴۲۷ و شهیدثانی، منیه المرید، ص ۱۱۷.
۳. در بازشناسی تصویب و یا تقریر گفتنی است، که اگر یکی از صحابه در حضور معصوم (علیه السلام) عملی را انجام می‌داد و مطابق دستور شرع بود، ممانعت نمی‌کردند و آن را تصویب می‌فرمودند. موضوعیت کنشی و یا عمل‌کردی این فرایند اعتقادی در صدر اسلام - تقریباً در صدسال بعد از پیامبر (ص) که عصر صحابه می‌نامیدند - ثابت بود. از دوره تابعین، که اخبار و اطلاعات خود را از صحابه پیامبر (ص) گرفته بودند و در واقع شاگردان صحابه به شمار می‌آمدند، تا این که بعد از تابعین، تابعین آنان نیز مصدر حکم و اراده تکلیف شدند، که به مرور زمان فاصله‌ای از عصر پیامبر (ص) و مشکل فهم حدود و قوانین الهی از کتاب و سنت برای مردم بیشتر

